

ردپای حکمت‌های بزرگمهر حکیم
در حکایتی از سعدی

قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید

وحید سبزیان پور

عضو هیئت علمی دانشگاه رازی
wsabzianpoor@yahoo.com

در گلستان سعدی (۱۳۸۱: ۶۴-۶۵) آمده است:

پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام هرگز دریا ندیده بود و محنت کشتی نیازموده، گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد. چندان که ملاحظت کردند آرام نمی‌گرفت و ملک را عیش از او منغص شد. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود، ملک را گفت: اگر فرمایی من او را خاموش کنم. گفت: غایت لطف و کرم باشد. بفرمود تا غلام به دریا انداختند. باری چند غوطه خورد. مویش گرفتند و سوی کشتی آوردند. دست در خطام کشتی زد. چون بر آمد به گوشه‌ای بنشست و آرام یافت. ملک را پسندیده آمد گفت: در این چه حکمت بود؟ گفت: اول محنت غرقه شدن نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست. همچنین قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

در سخنان منسوب به بزرگمهر حکیم آمده است:

لِيُرْجَمَهَر: «أَيُّ الْأَشْيَاءِ أَثَرُ عِنْدَ الْإِنْسَانِ إِذَا أَحْصَى الرَّغَائِبَ؟» قَالَ: «ثَلَاثٌ: ... وَأَمَّا عِنْدَ السُّقْمِ فَالصَّحَّةُ.» (ابن مسكويه، ۱۴۱۶ق: ۳۵)

(ترجمه:) به بزرگمهر گفته شد: اگر انسان آرزوهایش را برشمارد، چه چیزی بیشترین ترجیح را برایش دارد؟ گفت: سه چیز؛ ...، به هنگام بیماری، تندرستی.

این مضمون در ادب عربی نیز دیده می‌شود از جمله: «إِنَّمَا يُعْرِفُ قَدْرَ النُّعْمَةِ بِمُقَاسَاةِ ضِدِّهَا» (قدر هر نعمت بعد از قیاس با ضد آن شناخته می‌شود؛ ماوردی، ۱۹۸۵م: ۱۵۸)؛ «النُّعْمَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى مَجْهُولَةٌ فَإِذَا فُقِدَتْ عُرِفَتْ» (نعمت از خداوند است و ناشناخته، چون از دست رود، شناخته می‌شود؛ ابشیهی، ۱۴۱۹ق: ۲۴۵).

آنچه در اینجا مهم است، این است که غلامحسین یوسفی (سعدی، ۱۳۸۱: ۲۶۱) و محمد خزائلی (۱۳۶۸: ۲۵۰) در شرح این داستان به دو عبارت عربی با مضمون یادشده اشاره کرده‌اند، به گونه‌ای که برای خواننده این گمان حاصل می‌شود که سعدی سخن خود را از منابع عربی گرفته و این مضمون از فرهنگ عربی وارد فرهنگ فارسی شده است. اگرچه بعید نمی‌نماید که آبخشور این داستان سعدی منابع عربی باشد، ولی با توجه به تقدم زمانی، می‌توان با اطمینان ادعا کرد که این مضمون پیش از سعدی، و حتی قبل از ظهور اسلام، در ایران مطرح بوده و از طریق ترجمه متون پهلوی به ادب عربی و فارسی وارد شده است.

از قراین دیگری که نشان می‌دهد این مضمون در ایران باستان وجود داشته، پاسخ بزرگمهر به سؤال‌های انوشروان در ابیات زیر از شاهنامه است:

بپرسید وگفت ای خریدیافته
هنرها یک اندر دگر بافته
چه دانی روشنی بود سودمند
همان بر دل هر کسی ارجمند؟
چنین داد پاسخ که چون تندرست
که دل را جز از شادمانی نجست
چن از درد روزی به مُستی بود
همه آرزو تندرستی بود
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۹۷/۷)

منابع

- الأبشیهی، شهاب‌الدین محمد بن أحمد بن منصور ابوالفتح (۱۴۱۹ق). المستطرف فی کل فن مستظرف. بیروت: عالم الکتب.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). الحکمة الخالدة. تحقیق عبدالرحمن بدوی. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- خزائلی، محمد (۱۳۶۸). شرح گلستان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱). گلستان. تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به تصحیح جلال خالقی مطلق (دفتر هفتم؛ با همکاری ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- الماوردی، علی بن محمد (۱۹۸۵م). أدب الدنیا والدین. شرح وتعلیق محمد کریم راجح. بیروت: دار إقرا.